



ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۳۰ | شماره ۵ | پاییز و زمستان ۱۳۹۹ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ نقوش متنوع بر کمربندهای اورارتویی موزه رضا عباسی
- ◆ منصب امیری پیش از آل بویه: دو دیدگاه نسبت به گذشته
- ◆ سفال‌های خیربت کراک در سوریه و فلسطین: در وضعیت پریش
- ◆ استودان قلعه گرگی، نویافته‌ای از تدفین دوره ساسانی در شهرستان اقلید
- ◆ بازبینی و نقد کتاب گل‌نشته‌های آغاز ایلامی موزه لوور اثر یاکوب ال. دال
- ◆ بررسی باستان‌شناسی کاروانسرای خانک در مسیر کوهستانی تفرش به ساوه

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



دوفصلنامه ایران شناسی

سال ۳ | شماره ۵ | پاییز و زمستان ۱۳۹۹ | ۱۱۲ صفحه |
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتر باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تصویر جلد: قطعه آجری از تزئینات دیوارهای کاخ شوش، هخامنشی موزه متروپولیتن نیویورک

تهران، صندوق پستی: ۱۴۵۱۵-۵۶۹

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶

چاپخانه: ایران کهن



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

- ۴ نقوش متنوع بر کمربندهای اورارتویی موزه رضا عباسی | مریم دارا
- ۲۵ استودان قلعه گرگی، نویافته‌ای از تدفین دوره ساسانی در شهرستان اقلید | حامد مولایی کردشولی
- ۳۶ منصب امیری پیش از آل بویه: دو دیدگاه نسبت به گذشته | دیوید وین، ترجمه حسین صبری
- ۴۷ بررسی باستان‌شناسی کاروانسرای خانک در مسیر کوهستانی تفرش به ساوه | علی نوراللهی
- ۷۴ سفال‌های خیربت کراک در سوریه و فلسطین: در وضعیت پرشش | پیر دومیروشیچی، ترجمه سحر بختیاری، حسین نصری صومعه

پیشخوان

- ۹۹ بازبینی و نقد کتاب گل‌نشته‌های آغازیلامی موزه لوور اثر یاکوب ال. دال | حسن افشاری و سعید باقی‌زاده

درگذشتگان

- ۱۰۹ درگذشتگان ایران‌شناسی | آرشاک ایروانیان



نقوش متنوع بر کمربندهای اورارتویی موزه رضا عباسی*

مریم دارا

استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی،
متون و کتیبه‌های پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

چکیده

اورارتوها آثار فلزی بسیاری از خود باقی گذاشتند. تعدادی از این آثار در داخل ایران به دست آمده‌اند. نقوش روی این آثار جزئیات بسیاری درباره هنر، فرهنگ، مذهب و زندگی اورارتوها را نشان می‌دهند. کمربندهای اورارتویی معمولاً منقوش ساخته می‌شدند و روایات متفاوتی را نمایش می‌دادند. در موزه رضا عباسی چهار کمر بند مفرغی که گاه کامل و گاه ناقص هستند نگهداری می‌شوند. در این نوشته تلاش می‌شود این کمربندها معرفی و نقوش آنها تحلیل و بررسی شود. آنها صحنه‌های آیینی، شکار و نمادین را نمایش می‌دهند و نقوش حیوانی، انسانی، گیاهی و اساطیری دارند.

واژه‌های کلیدی: نقوش کمر بند، اورارتو، شکار، آیینی.

۱. مقدمه

کرد و سپس فهرست طولانی از اشیایی می‌دهد که به غارت برده است (مایر ۱۳۸۸: ۶۶). بسیاری از اشیاء فلزی اورارتویی از بازارهای عتیقه، کلکسیون‌های شخصی و قاچاقچیان اشیاء باستانی به دست آمده‌اند نه کاوش‌های علمی.

درباره نقوش روی آثار فلزی اورارتویی باید گفت نقوش حیوانی بیشتر بر این آثار خودنمایی

اورارتوها معادن فلزات، صنعتگرانی توانمند و دانش برجسته‌ای برای تولید اشیاء داشتند. سارگن آشوری در کتیبه مربوط به لشکرکشی خود در ۷۱۴ پم به موصصیر، مهم‌ترین معبد اورارتوها، در ستون چهارم، سطر ۳۵۰، می‌گوید که به مقر خدای خالدی، یعنی معبد موصصیر، وارد شد و در کاخ اورزانا سکونت

* نگارنده از سرکار خانم پریسا کردبیگی، امین اموال محترم موزه رضا عباسی، برای یاری دلسوزانه و بی‌پایان ایشان سپاسگزاری می‌کند.



تصویر ۱. کمر بند ۱ موزه رضا عباسی

می‌کنند. همچنین خدایان و نقوش گیاهی بر آثار فلزی اورارتویی منقوش بودند. اما، شناسایی این رب‌النوع‌ها یا موجودات اساطیری که ترکیبی از چندین حیوان بودند بسیار مشکل و در بیشتر اوقات غیر ممکن است. آنها اغلب تصویر خدایان خود را همراه نقوش حیوانات ارائه می‌کردند و گاهی حیوانات را به‌تنهایی به صورت نمادی از خدایان خود ارائه کرده‌اند.

کمربندهای اورارتویی در قیاس با بقیه آثار فلزی اورارتویی نقوش متنوع‌تر و بیشتری را نمایش می‌دادند و مانند تابلوهای هنری می‌توانستند روایت‌گر هنر اورارتو باشند. این کمربندها که صرفاً به‌منظور جنگ بسته نمی‌شدند نقوشی دارند که ما را در شناسایی هنر، مذهب و جزئیات دیگر درباره اورارتوها یاری می‌رساند.

۲. کمربندهای اورارتویی در موزه رضا عباسی ۱-۲. کمر بند ۱

این کمر بند رسوب‌گرفتگی شدیدی دارد و با شماره ۱۴۳ در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود (تصویر ۱). دور آن سوراخ‌هایی برای اتصال روی جنسی نرم مانند چرم و پارچه و در انتهای سمت راست آن حلقه‌ای برای رد کردن بند و بستن آن به طرف دیگر کمر بند دیده می‌شود. بر کمر بند سواران نیزه‌به‌دست و ارابه‌سواران (یکی ارابه‌ران و دیگری کمان‌دار) به دنبال شیرها و گاوها هستند. در این صحنه چند گاو نیز نیزه خورده‌اند و شکار شده‌اند. البته گاوهای سالم نیز دیده می‌شوند. اما، شیرها تیر نخورده‌اند و گاه دم گرد رو به بالا و گاه افتاده دارند. بین همه

تاکنون پژوهش‌هایی بر کمربندهای اورارتویی انجام شده مانند کلنر (1991) و چاوش‌اوغلو (۱۳۹۷). اما، تحلیل نقوش کمربندهای اورارتویی موزه رضا عباسی پیشتر منتشر نشده است. در این نوشته نگارنده



تصویر ۲ الف (Kellner 1991: 145, fig. 2)، تصویر ۲ ب (Seidl 2004: 154)

و گاوهای شاخدار غیر انتزاعی و در مفهوم شکار هستند. کمرندهای بسیار مشابه این کمر بند اورارتویی به دست آمده است (تصویر ۲) که همین نقشمایه‌ها پرش حیوانات و شکارچیان و ارابه‌سواران و روزت را دارند که گاه در جزییات متفاوت‌اند. روزت‌ها در واقع جداکنندگان و پرکنندگان فضا هستند. در ادامه بیشتر درباره این نقوش آورده شده است.

۲-۲. کمر بند ۲

این شیء در پنج قطعه با شماره ۱۳۲ ک.ص در تاریخ ۳۲/۷/۱۶ صورت جلسه و در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود (تصویر ۳). طول آن ۸۳/۵ و عرض کمر بند ۱۰ سانتی‌متر است. در طول کمر بند سه ردیف صحنه با حاشیه‌هایی برای جدا شدن از یکدیگر ایجاد شده است. از میانه کمر بند به سمت چپ حیواناتی در حال دویدن به سمت چپ و در

تصاویر در هر ردیف گل‌های روزت باز نقش شده‌اند. این نقشمایه‌ها از نیمه کمر بند شروع و به دو سمت رفته‌اند و بدن انسان‌ها و حیوانات نیز به همان سمت را نگاه می‌کنند. ردیف‌های تصاویر با خط از هم جدا نشده‌اند اما هر سه ردیف در یک حاشیه دو خطی در بالا و پایین کمر بند محصور است. در یک انتها نیز کادری ایجاد شده که چهار شیر در چهار ردیف در آن تصویر شده‌اند.

تصاویر حیواناتی که در حال پرش هستند را معمولاً صحنه شکار نامیده‌اند (Azarpay 1968: 47) که البته همواره همراه شکارچیان تصویر نشده‌اند و گویی به اشتباه هر زمان سوار و حیوانات وحشی تصویر شده‌اند آن صحنه شکار نامیده شده است. در این کمر بند چند گاو شکار شده و بقیه سالم هستند پس این صحنه شکار است و از آن روی که شیرها تیر نخورده‌اند به احتمال شیرها نماد قدرت و شاهی

نیمه راست کمربند حیواناتی در حال دویدن به سمت راست هستند. در هر ردیف درخت مقدس، روزت، اسب‌سوار تیرانداز با لباس جنگی اورارتویی، اسب‌سوار نیزه‌پران، گاو نر در حال پرش، شیر در حال پرش، موجودی اساطیری با سر انسان و دم ماهی و پای شیر و به شکل بالدار کمان در دست و همان بدن با سر قوچ در حال کمان کشیدن یا بدون کمان دیده می‌شود. در انتهای سمت راست کمر نیز چهار ردیف عمودی شیر در حال حرکت به سمت راست هستند. دور کمربند سوراخ‌هایی جهت اتصال آن روی جنسی نرم مانند چرم یا پارچه ایجاد شده است. از آن‌روی که شیر یا گاوی شکار نشده به احتمال همه عناصر روی کمربند نمادهایی از شجاعت و پایداری و قدرت و پیروزی جنگجویی هستند که آن را می‌پوشد نه صحنه شکار. این نقشمایه‌ها از نیمه کمربند شروع و به دو سمت رفته‌اند و در میان بدن تصاویر هر ردیف درخت مقدس و روزت دیده می‌شود. موجود اساطیری تیرانداز شاید نماد جنگ یا تیراندازی باشد اما این که دقیقاً نماد چه هستند مشخص نیست. در ادامه بیشتر درباره این نقوش آورده شده است.

این گونه کمربندها و ترکیب‌بندی تصاویر بر آنها مشابه‌های بسیاری در اورارتو دارد (تصویر ۴). که در آن ترکیبی از حیوانات و انسان‌ها و موجودات اساطیری تصویر شده‌اند. به این نقوش در ادامه پرداخته خواهد شد. البته از آن روی که شیر یا گاوی شکار نشده به احتمال همه عناصر روی کمربند نمادهایی از شجاعت و پایداری و قدرت و پیروزی جنگجویی هستند که آن را به تن می‌کند تا مراقب او در نبرد باشند و ارتباطی با شکارچیان نداشته است.

۲-۳. کمربند ۳

کمربندی مفرغی نشکسته و بسیار رسوب‌گرفته‌ای با تصاویر مذهبی با شماره ۷۱۲ در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود (تصویر ۵). صورت جلسه این شیء در تاریخ ۱۳۳۷/۲/۱۲ تنظیم شده است. بر این کمربند خدایان سوار بر پشت حیواناتی مانند شیر و گاو نر، استل‌ها، پالمته‌هایی (palmette) که بر آنها گریفین ایستاده، نقوش گیاهی، تزئینات چلیپایی و دایره‌ای دیده می‌شود. که گریفین‌ها در جهت خلاف حرکت خدایان و حیواناتشان هستند. در یک انتها نیز درخت زندگی با ابعاد بزرگ‌تر از درختان زندگی روی کمربند و در حاشیه‌ای مجزا از صحنه اصلی ایجاد شده است. همه نقوش غیرواقعی هستند و نمایانگر صحنه‌های اساطیری است. به تصاویر نقش شده بر آن در بخش بعد پرداخته خواهد شد. کمربندهایی با صحنه‌ها بسیار مشابه این کمربند نیز شناسایی شده‌اند که گاهی در جزئیات و به‌ویژه نقوش گیاهی متفاوت هستند (تصویر ۶).

۲-۴. کمربند ۴

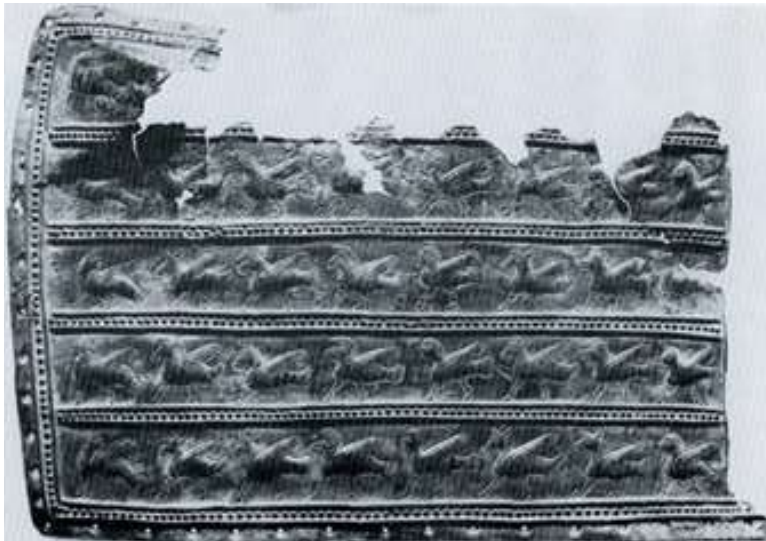
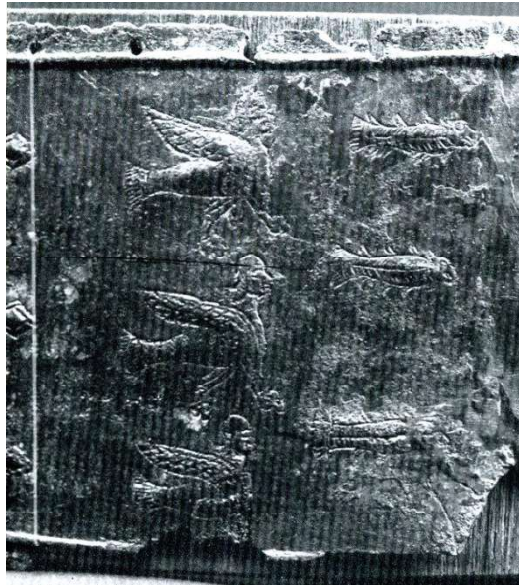
بخش کوچکی از یک کمربند مفرغی اورارتویی آسیب‌دیده در موزه رضا عباسی با شماره ۷۹۳ نگهداری می‌شود (تصویر ۷). دو ردیف پایین و بخش کوچکی از ردیف بالایی کمربند حفظ شده است. بیشترین طول این قطعه ۱۳/۳ و عرض آن ۸/۲ سانتی‌متر است. ردیف‌های صحنه‌ها با حاشیه‌ای دوخطی از یکدیگر جدا شده‌اند و در پایین قطعه سوراخ‌هایی برای اتصال به سطحی نرم مانند چرم یا پارچه دارد. در این صحنه‌های افقی از سمت راست شیر در حال پریدن، پالمته و دایره به شکل چلیپا و دایره‌هایی به شکل چلیپا و گاوی در حال پریدن به سمت



تصویر ۳. کمر بند ۲ موزه رضا عباسی

از آن روی که همهٔ صحنه دیده نمی‌شود شاید نتوان تفسیر درستی از نقوش این کمر بند ارائه داد. اما، همین نقوش یادآور کمر بند شماره ۱ و مشابه آن هستند.

راست هستند. در سمت راست کمر بند ردیفی عمودی از چهار شیر بوده است که بالاترین شیر ناقص و شکسته شده است. این قطعه انتهای سمت راست کمر بند است و حلقه‌ای برای بسته شدن دو طرف کمر بند به آن متصل بوده است.



تصویر ۴ الف (Eichler 1986: TAF 1) تصویر ۴ ب (Ibid: TAF 4)

با یال بسیار کوتاه یا بدون یال تصویر شده‌اند و اورارتوها شیر را بیشتر از سایر حیوانات تصویر کرده‌اند (Tarontsi 2017: 134). شیرهای اورارتویی با پوزه‌های چین‌خورده و آرواره‌های باز و غران با خطوط منحنی بسیار در صورت‌هایی

۳. نقوش روی کمربندهای اورارتویی موزه رضا عباسی

۱-۳. نقوش حیوانی

در همه کمربندهای موزه رضا عباسی نقش شیر دیده می‌شود. در فرهنگی اورارتو شیرها همواره



تصویر ۵. کمر بند ۳ موزه رضا عباسی

گاو روی آثار فلزی را با احتمال نماد خدایان خالدی و تیشبا برای نمایش دو عنصر جنگ و پیروزی می‌داند. زیمانسکی (2012: 72) شیر روی سپرها را بیشتر نماد شاهی می‌داند تا خالدی. اما، به نظر نگارنده شیر اورارتویی و خدای خالدی هر دو نشانگر اهمیت قدرت شاهی و پیروزی هستند. البته شاید همواره شیر نماد خالدی نباشد بلکه صحنه شکار را نشان دهد. اما، از آن روی که شیر و خالدی هر دو متولی و نماد شجاعت و پیروزی هستند این دو را یکی و شیر را نماد خالدی دانسته‌اند. شیرهایی که در سپر انزاف تصویر شده‌اند به آشور حمله کرده‌اند و آنها را نابود ساخته‌اند و در آنجا خالدی پیاده تصویر شده نه بر شیر. همچنین احتمال دارد که این شیرها نماد شاهانی هستند که فرمان خدایان را انجام می‌دهند. در هنر اورارتویی حیوانات نماد از خویشتکاری

خشن و وحشی‌تر با چشمانی مثلثی و به شکل پرصلابت، ورزیده و قدرتمند تصویر شده‌اند. این شیرها معمولاً با دندان‌های یک دست گاه با دندان نیش مشخص تصویر می‌شدند. زبان‌شان نیز در بسیاری موارد مشخص است. یال‌های کوتاه این شیرها گاه شعله‌ای شکل یا زیگ‌زاگ و پاها قدرتمند و ماهیچه‌ای و گوش‌هایشان کوچک بود. دم‌های شیرهای اورارتویی یا به سمت پایین و افتاده هستند یا به سمت بالا گرد شده‌اند. ترکیب‌بندی تصویر شیر اورارتویی به گونه‌ای بود که باید ترس را به دل بیننده می‌انداخت (تصویر ۸).

به نظر پیوتروفسکی شاید تصاویر شیر نشانگر پیشکش آثار به خالدی، بزرگ‌ترین خدای اورارتویی، و تیشبا، خدای رعد و آب‌وهوا و طوفان اورارتویی، باشند (پیوتروفسکی، ۱۳۸۳: ۳۱۲). مرهاو (1991c: 137) شیر و



تصویر ۶ الف (Kellner 1991: 154, fig. 13)



تصویر ۶ ب (Eichler 1986: TAF. 6.2)

است چون نماد جنگ و اقتدار است و این‌ها نزد اورارتوها بسیار اهمیت داشتند که رب النوع مربوط به آن‌ها یعنی خالدی بر مسند قدرت بقیه رب النوع‌ها نشسته است. پس شیر و خالدی هر دو نماد قدرت و شاهی و شجاعت و نبرد هستند. بر کمر بند ۱ شیرها همراه شکارچیان و

خدایان و عناصر مهم جامعه بودند که خدایان و رب النوع‌ها نیز نمایندگان همان عناصر مهم برای مردم بودند. مثلاً شیر چون حیوانی قدرتمند بود و قدرت، شاهی، پیروزی و جنگیدن برای آنها مهم بود شیر را با خدای قدرت، شاهی و جنگ مرتبط می‌دانستند. شیر اورارتو خشمگین



تصویر ۶ ج (Ibid: TAF. 2)



تصویر ۷

نیز شکار نشده بنا بر این این کمر بند يك صحنه نمادین را آشکار می‌کند که حیوانات در کنار هم تصویر شده‌اند. در انتهای آن شیرها با متانت در حال حرکت هستند و در حالت جهش تصویر نشده‌اند. در کمر بند ۳ شیرها مرکب خدایان هستند و در طول و انتهای کمر بند چهار شیرها در حال پرش تصویر شده‌اند. به نظر نگارنده همه این شیرها نماد شجاعت و پیروزی هستند و حتی اگر سلطنتی نباشند به گونه‌ای برای کسی

گاوهایی که هر از گاهی تیر خورده‌اند تصویر شده‌اند. اما، هیچ‌یک از شیرها تیر نخورده زخمی نشده‌اند پس این صحنه شکار شیر نیست بلکه شکار گاو است و شیر شاید در اینجا نماد قدرت شاهی یا شکار سلطنتی یا شجاعت شکارچیان می‌تواند باشد. در انتهای کمر بند شیرها در حال حرکت هستند نه پریدن. در کمر بند ۲ همه حیوانات در حال حرکت هستند و شیر نیز در حال پرش و هیچ حیوانی



تصویر ۸ الف (Işikli 2016: 5a; 281, 7)، تصویر ۸ ب. از کارمیربلور در موزه تاریخ ارمنستان



Argishti M

Sarduri A

Rusa E

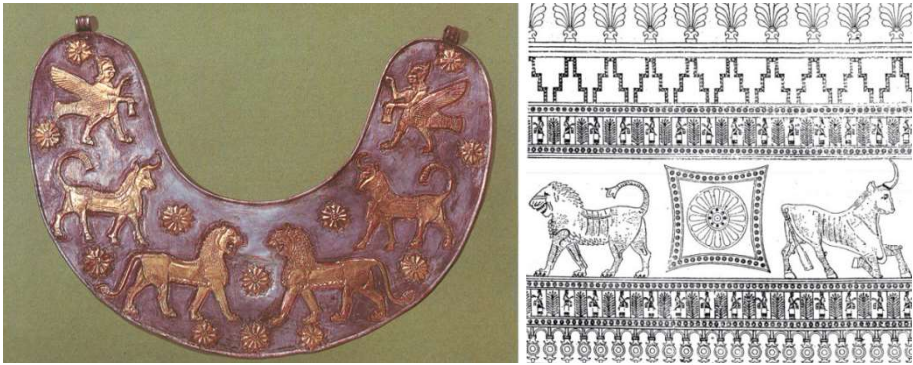
Rusa S

Rusa A

تصویر ۸ ج. شیرهای روی سپرهای شاهان مختلف اورارتویی (Roaf, 2010 78, fig. 7)

رو به پایین یا گردشده رو به بالا مانند شیرها نقش می‌کردند. موهای پشت سر و گردن گاوها را نیز با خطوط موج ایجاد می‌کردند که تمام پشت حیوان را پوشانده بود. همچنین مانند تصاویر شیرها ماهیچه‌های برجسته و قوی داشتند. گاوهای اورارتویی در حال حرکت با وقار یا پریدن و دویدن یا زانوده بر دست‌ها و گاهی در حال شکار تصویر شده‌اند. سر گاو به شکل خم و به گونه‌ای که شاخ‌ها به جلو باشد در اورارتو رایج است مخصوصاً در دستگیره ظروف (تصویر ۱۰). از آن روی که گاو نماد خدای طوفان در خاور نزدیک است (Millard 2000: 288) تیشبا را نیز با این حیوان مرتبط می‌دانند. مرهاو (1991c: 137) شیر و گاو روی آثار فلزی را با احتیاط نماد خدایان خالدی و تیشبا می‌دانند. در واقع به نظر

آن‌ها را می‌پوشید پیروزی به ارمغان می‌آوردند. بنابراین به نظر نگارنده شاید نتوان این شیرها را نماد خالدی دانست بلکه همان شجاعت و پیروزی که شیر نماد آن است، تداعی می‌کردند. اورارتوها تمایل به نمایش شیر و گاو در یک جا داشتند. مثلاً تصویر کردن شیرها در دایره‌های متحدالمركز روی سپرها نیز رواج داشت که این دایره‌ها يك در میان مختص گاوها بود. اما، دایره‌هایی که شیرها را تصویر می‌کردند بیشتر و بنا بر این تعداد شیرهای تصویر شده نیز بیشتر بودند (تصویر ۹). در بیشتر جاهایی که گاو اورارتویی ترسیم شده شیر نیز حضور دارد. اورارتوها پس از شیر گاو نر را بیشتر از بقیه حیوانات نقش کرده‌اند. البته گاو ماده را نیز به الهه‌ها و کمتر از میزان گاو نر قربانی می‌کردند و ندرتاً نیز ترسیم کرده‌اند. گاوهای اورارتویی معمولاً با شاخ‌های جلو آمده بلند و با دم‌های



تصویر ۹ الف. نقاشی دیواری آریین برد (Azarpay 1968: fig. 4) تصویر ۹ ب. پلاک سینه (Wartke 1993)



تصویر ۹ ج. سپر مفرغی با کتیبه روسا اول، موزه تاریخ ارمنستان

قدرت می‌توانستند استفاده شوند و حتی تصویر خدای تیشبا هم با مفهوم برکت‌بخشی بر روی کمربندهای نظامی بی‌معنا بود. در کمر بند ۳ گاوها مرکب خدایان هستند و در قطعه‌ای کوچک از کمر بند ۴ شیر و گاو در حال دویدن هستند و ترکیب‌بندی صحنه نمایان نیست و ناقص است. بنابراین به احتمال گاوهای این آثار یا شکار یا نمادی از قدرت بوده‌اند. گاوهای شکار شده فقط در کمر بند ۱ دیده می‌شوند.

تصویر ۳-۲. نقش رب‌النوع ایستاده بر حیوانات در خاور نزدیک باستان نقش کردن رب‌النوع‌ها بر

او این دو رب‌النوع برای نمایش دو عنصر جنگ و پیروزی و شاهی و برکت نمایش داده شده‌اند. در آثار اورارتویی از ایران گاو یا در حال شکار یا در حال جهیدن یا به شکل مرکب خدایان تصویر شده و به دست آمده است. بر کمر بند ۱ گاوها در حال دویدن و پرش دیده می‌شوند که گاهی تیر خورده‌اند و این صحنه شکار گاو است. بر کمر بند ۲ گاوها در کنار شیرها و حیوانات ترکیبی یک صحنه نمادین ساخته‌اند نه شکار که گاو در آن همان نماد قدرت و نه برکت‌بخشی می‌تواند باشد چون بر کمر بند نظامیان نماد برکت مفهومی نداشت و نمادهای





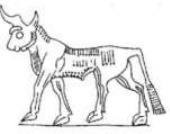








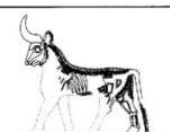

تصویر ۱۰ الف (Merhav 1991b: 241, 35) تصویر ۱۰ ب. توپراکقلعه (Merhav 1991b: 238, 31)



تصویر ۱۰ ج. سپر موزه اربونی

حیوانات بسیار رایج بود که حیوان مرکب معمولاً در ارتباط با نیروها و نمادشناسی آن خدا بود. در واقع حیوان زیر پای هر خدا و الهه در ارتباط مستقیم با خویشکاری آن رب النوع بود (Black and Green 1992: 39). بر آثار فلزی اورارتویی نیز تصویر خدایان سوار بر پشت حیوانات بسیاری دیده می‌شود (تصویر ۱۱). خدایان آب‌وهوا همیشه خدایان برکت‌بخشی نبودند و این دو خویشکاری در بسیاری از جوامع مجزا از یکدیگر بود. برخی خدایان آب‌وهوا و صاعقه و طوفان مانند عدد در جاهای بسیاری پرستیده می‌شدند و برخی مانند تیشبا ظاهراً فقط خدای قوم اورارتو بودند.

نماد خدایان آب‌وهوا معمولاً صاعقه و چکش و حیوان مخصوص آن‌ها گاو و به‌ویژه گاو نر بود. ارتباط دادن گاو نر با خدای طوفان از زمان پیش از تاریخ رواج داشت (Black and Green 1992: 47). طبق روال بین‌النهرین، در واقع پیوتروفسکی (۱۳۸۳: ۳۰۹ و ۳۱۲) خالدی را با شیر و تیشبا را با گاو و شیوینی را با قرص بالدار مرتبط دانست. به‌نظر زیمانسکی (Zimansky 2012: 721) شیر نماد شاهی است نه خالدی و خالدی حتماً با بقیه خدایان متفاوت تصویر می‌شده است. به‌نظر کالمیر (1979) شیر را نمی‌توان با خالدی مرتبط کرد. شیر مرکب خدایان بسیار کم تصویر شده

Išpūni		
Menua		
Argišti I.		
Sarduri II.		
Rusa I.		
Argišti II.		
Rusa II.		
Rusa (III.)		

تصویر ۱۰ د. تفاوت تصاویر شیرها و گاوها در زمان شاهان اورارتویی (Seidl 2004: 123)

خالدی خویشکاری تیشبا را نیز به خود جذب می‌کرد نه بالعکس. شاید هم شیوینی به عنوان خدای عدالت و حافظ آثار از دست دشمنان،

مانند نقاشی دیواری اربونی. در کتیبه‌ها هم آورده نشده که شیر با خالدی و گاو با تیشبا و اسب با شیوینی مرتبط است. اورارتوها خدای خورشید شیوینی را محترم می‌داشتند. او سومین مهم‌ترین خدای اورارتویی بود و به ویژه در نفرین‌ها خطاکاران زیر خورشید مجازات می‌شوند و خویشکاری عدالت نیز داشت (دارا ۱۳۹۷). بر سپری از انزاف علیا، با کتیبه‌ای از ایشوینی و مینوا، خالدی، در هاله‌ای از آتش و مسلح به سلاح شوری خود، بدون شیر نمایش داده شده در حالی که پس از او تیشبا به جای گاو بر شیر تصویر شده است و شیوینی بر گاو است (Dara 2014). اینجاست که آنچه در خاور نزدیک به عنوان خدای آب‌وهوا بر گاو نر و خدای خورشید با قرص بالدار به چالش کشیده می‌شود. میان پژوهشگران درباره ماهیت رب‌النوع صاعقه‌به‌دست روی شیر و قرص بالدار بر گاو اختلاف نظر فراوان هست. سالوینی به نقل از کالمیر می‌گوید انسجام چندانی در نمایش دادن خدایان وجود نداشته است چون ممکن بود خدایان روی حیوانات دیگری غیر از حیوانات مخصوص خود نیز نمایش می‌شدند (Salvini 1989: 85). به نظر بارت (1950) نیز خالدی خدای خورشید است.

می‌توان گفت مرکب خدایان به آن میزان که در جاهای دیگر تعیین‌کننده رب‌النوع سوار بر آن است و وسیله‌ای برای شناخت اوست در اورارتو نیست. شیوینی یا خدای خورشید در اورارتو خدای عدالت بود و با نبرد یا پیروزی ارتباطی نداشت بنابراین به احتمال بیشتر این خدای روی گاو که در قرص بالدار تصویر می‌شد شیوینی نیست بلکه نمادی از پیروزی است. تیشبا نیز که خدای آب و هوا بود کمتر از خالدی با پیروزی ارتباط داشت و در واقع



تصویر ۱۱ الف (Konyar et al. 2018: p. 195) تصویر ۱۱ ب. از توپراک قلعه در موزه هرمتاز

هشتم پم چرخ‌های کوچک شش‌پره بدون حفاظ پشت ارابه با اتاقتک باریک و چهارگوش و دسته‌های دراز در طرفین داشتند. در اواسط قرن هشتم پم چرخ‌ها هشت‌پره شدند و جزئیات بیشتری افزوده گردید (Merhav 1991a: 53-54).

سربازان اورارتویی معمولاً بدون ریش دیده می‌شوند. آنها معمولاً آشوری‌ها را ریش‌دار تصویر می‌کردند البته خدایان و شاهان نیز گاهی ریش داشتند (چاووش‌اوغلو، ۱۳۹۷: ۶۰). شکارچیان ایستاده یا در ارابه یا اسب‌سوار یا زانوزده بر یک پا یا نیزه‌پران تصویر شده‌اند و حیوانات یا سالم یا تیر خورده تصویر می‌شدند. اما، به ندرت جسد آنها زیر پای اسب شکارچیان مصور بود. سلاح آنها هم تیر، کمان، سپر، نیزه، تبر و خنجر تصویر شده است (همان: ۳۳-۳۴).

بر کمر بند ۱ و ۲ به احتمال این سواران و ارابه‌ران‌ها نماد همان اشخاصی هستند که این کمر بندها را می‌پوشیدند.

مانند آنچه بر کتیبه‌های سنگی می‌نوشتند، نابودگران آثار را به سزا می‌رساند و بر آثار فلزی حافظ پوشنده آنها از دشمنان بود یا حتی خود آثار را حفظ می‌کرد.

در کمر بند ۳ که صحنه‌ای آیینی را به تصویر کشده خدایان سوار بر حیوانات در حال پرش و دویدن دیده می‌شوند. این خدایان روبرو به سمت چپ دارند و دودست به حالت احترام به بالا برده‌اند.

۳-۳. نقوش انسانی (شکارچیان و تیراندازان و ارابه‌ران‌ها)

آشوریان صحنه شکار را بسیار تصویر می‌کردند (مجیدزاده ۱۳۸۸: ۲۲۴) و در آنها ارابه‌ران‌ها و شکارچیان که حتی گاه خود شاه بود تصویر می‌شدند. بر بسیاری از آثار فلزی اورارتویی نیز سوار، سوار تیرانداز، سوار کماندار، ارابه‌های تک اسبه و دو سواره که گاه یکی از سواران تیراندازی می‌کند دیده می‌شود (تصویر ۱۲).

در هنر اورارتو ارابه‌ها روی کمر بند دو یا سه تکه بودند و دو چرخ داشتند. ارابه‌های روی کمر بندها در اواخر قرن نهم و اوایل قرن

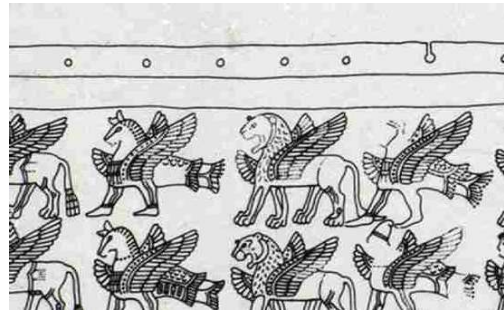


تصویر ۱۲ الف. کلاهخود موزه تاریخ ارمنستان
 تصویر ۱۲ ب. تیردان موزه تاریخ ارمنستان
 تصویر ۱۲ ج. بخشی از کمر بند (Kellner
 1991: 143, fig.1)

قدرت و پیروزی آن را نمایش می‌دهد و استفاده از بال نماد الوهیت و آسمانی بودن است. در اورارتو معمولاً تنه حیوانی با سر حیوان دیگر و اعضای دیگر مانند پرنده، مار، عقرب و ماهی ترکیب می‌شد. گاهی نیز سر انسان بود و بدن ترکیبی از حیوانات دیگر. موجودات اساطیری ترکیبی که بر روی کمر بندهای اورارتویی تصویر می‌شده‌اند شامل شیردال (گریفین)، ابوالهله (اسفنگس یا بدن شیر و سر انسان)، پگاسوس (اسب بالدار)، لاماسو (بدن گاو و سر انسان) و سیرن می‌شوند. در فرهنگ اورارتو موجودات اساطیری ترکیبی دو یا چهار پا تصویر شده‌اند. حیوانات بالدار معمولاً بال‌های کوتاه و صاف و نوک کوتاهی متمایل به بالا دارند که خطوط موازی در طول بال ادامه دارند.

۳-۴. موجودات اساطیری

در فرهنگ‌های باستانی نقش کردن موجوداتی که ترکیبی از اعضای مختلف بدن حیوانات و گاه با اعضای از بدن انسان بودند رواج داشت. بسیاری از خدایان خاور نزدیک دارای حیوانات خاص یا ترکیبی هستند که در نمادهای خدایان دیده می‌شوند (Bienkowski and Mil- lard 2000: 246) و در اورارتو نیز هستند. باید افزود که نقش حیوانات ترکیبی که نامی بر آنها نهاده نشده و ترکیب چندین عضو از بدن حیوانات مختلف با یا بدون سر انسان هستند در اورارتو بسیار رایج بود و بر آثار فلزی بسیاری یافت شده است. به نظر نگارنده شاید این کار برای ترکیب خویشکاری‌های متناسب به آن موجودات است یعنی مثلاً بدن شیر و شاهین



تصویر ۱۳ الف (Kellner 1991: 156, fig 3) تصویر ۱۳ ب. موزه هرمیتاژ

و پالمت در ادامه پرداخته خواهد شد. بر کمر بند ۲ موجوداتی اساطیری دوپا و بالدار در حالت نیم‌رخ با سر گاو یا انسان، پنجه‌های شیر، دم ماهی تصویر شده‌اند که کمان کشیده در حال حرکت هستند و همراه شیر یا گاوهای در حال دویدن در ردیف‌هایی تصویر شده‌اند و به نظر نگارنده به احتمال نماینده یا نگهبان شکارچیان هستند. بر کمر بند ۳ گریفین‌هایی ایستاده بر گل نیم‌رخ رو به خدایان تصویر شده‌اند که مشخص نیست نماد چه می‌توانند باشند.

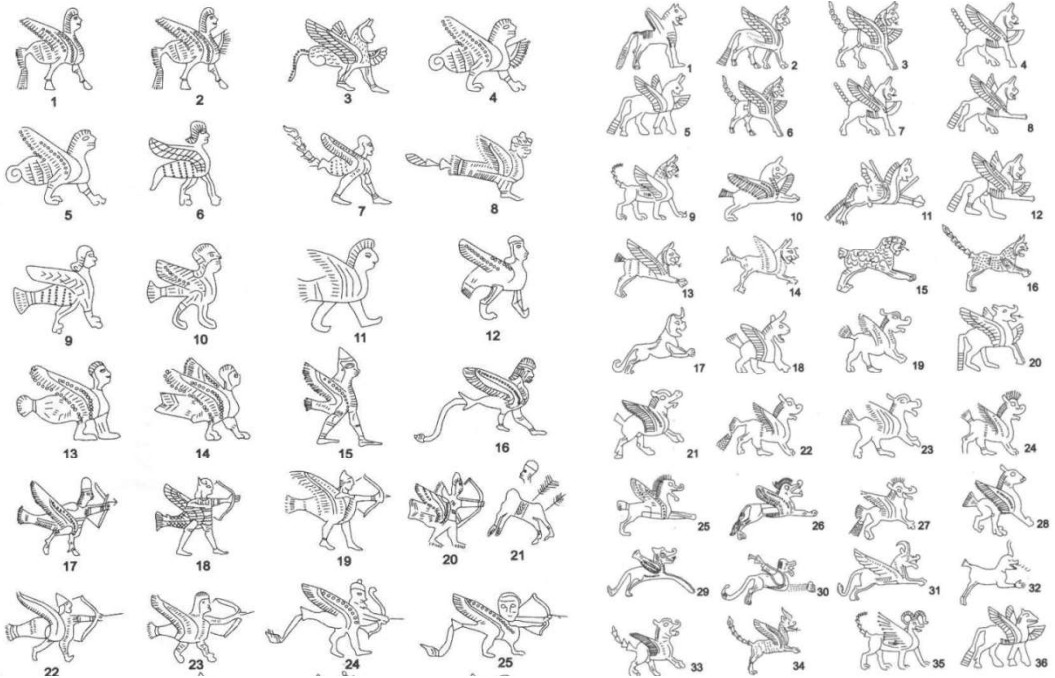
۳-۵. نقوش گیاهی

درخت مقدس که در جهان باستان تصویری محبوب بود در اورارتو از اواخر قرن نهم و اوایل قرن هشتم پم و در طول همین قرن تصویر می‌شده است که در ابتدا قابی استل مانند داشت (تصویر ۱۵) مانند کمر بند ۳. البته در اواخر قرن هشتم بدون قاب نیز تصویر می‌شده است (چاووش اوغلو ۱۳۹۷: ۶۸).

درخت اورارتویی به شکل‌های مختلف و متفاوت ظاهر شده است. اما معمولاً شاخه‌های آن رو به بالاست به جز چند استثنا (تصویر ۱۶). نوک شاخه‌های درخت مقدس اورارتویی به نظر چاووش اوغلو (۱۳۹۷: ۶۸) برگ خرما و گل انار

موجودات ترکیبی دوپا معمولاً در صحنه‌های شکار در حال تیراندازی بودند (چاووش اوغلو، ۱۳۷۸: ۳۶). به نظر نگارنده به احتمال این دوپاها نماد شکارچیان و یا موجوداتی بودند که از آنها حفاظت می‌کردند و خویشکاری تیراندازی و شکار و معمولاً دم ماهی داشتند (تصویر ۱۳).

تصویر کردن گریفین یا شیردال که ترکیبی از بدن شیر و سر شاهین است بسیار مرسوم بود. در جهان باستان به احتمال گریفین را نماد خورشید، شاه، نگهبان و برکت‌بخش می‌دانستند (جابر انصاری ۱۳۸۷: ۹۸-۱۰۱). در اورارتو معمولاً منقارهای این پرنده بسته بود و بال‌ها اگر تصویر می‌شد کوتاه و پرها با خطوط موازی مانند شیر و گاو بالدار تصویر می‌شد و به احتمال نمادی از پیروزی و قدرت است چون داشتن بال در فرهنگ اورارتو قدرت را نمایان می‌کرد و ترکیب شیر قدرتمند و شاهین بلندپرواز هر دو نماد قدرت و پیروزی هستند. همچنین گریفین بر کمر بند با صحنه اساطیری آورده شده که همگی نشان آرزوی قدرت برای کسی می‌توانست باشد که آن را در اختیار دارد. گریفین بر یا در کنار پالمت یا درخت در اورارتو بارها تکرار شده است که به احتمال نحوه‌ای رایج از ترکیب‌بندی هنر اورارتو بوده است (تصویر ۱۴) که به درختان



تصویر ۱۳ ج. موجودات اساطیری ترکیبی روی کمربندهای اورارتویی (چاووش اوغلو: ۱۳۹۷: لوحه ۱۲ و ۱۹)

روزت گل رز یا سرخ نیست بلکه لوتوس یا گل نیلوفر است و در بین‌النهرین از نمادهای ایشتر است. در فرهنگ اورارتو روزت را نماد شیوینی نامیده‌اند (Ter-Martirosov 2009: 14) و در شکل‌های متنوع با گلبرگ‌ها نوک‌تیز یا نوک‌گرد نمایش داده می‌شد که نگارنده با آن مخالف است چون این گل بر بسیاری از آثار شخصی و غیرآیینی نیز نقش شده و لزومی ندارد هر نقش تزئینی را نماد دانست آن هم نماد يك رب‌النوع. بنا بر این نگارنده فقط از آن روی روزت را نیز در این نوشته آورده که بعضی بر این نظر هستند که نماد است. اما، خود نگارنده این گونه نمی‌پندارد. روزت در دوران اورارتو نیز بسیار تصویر می‌شده است. به نظر نگارنده اورارتوها یا روزت را جدا و تک یا به شکل ردیفی از گل‌ها در کنار هم یا برای جداسازی صحنه‌ها یا نقوش روی کمربندها استفاده می‌کردند و تعداد گلبرگ‌ها متنوع است.

است. شاید هم نوک شاخه‌های درخت مقدس میوه یا شکوفه رو به بالا است (باتماز Batmaz 2013: 71). به نظر نگارنده اینها به احتمال غنچه بسته یا پالمت هستند و نه برگ خرما چون زائیده‌ای در انتها دارد که مانند ساقه گل است نه میوه و در بسیاری موارد شکوفه یا غنچه به طور واضح دیده می‌شود و از طرفی میوه نمی‌تواند رو به بالا بایستد و به پایین متمایل می‌شود. درحالی‌که در اکثر تصاویر رو به بالاست به جز چند استثنا. این همان گلی است که در دست خدای ایستاده بر حیوان در آدیله‌چواز با پس‌زمینه درخت مقدس دیده می‌شود که از معروف‌ترین درخت‌های مقدس است. گاهی نیز گل‌ها رو به بالا با چند گلبرگ گرد تصویر می‌شود. درخت مقدس بر کمر بند ۲ مشاهده می‌شود.

پالمت‌ها (palmette) در هنر اورارتویی به عنوان تزئینات بسیار استفاده می‌شدند (تصویر ۱۴ ب و ج). نقش پالمت در کمر بند ۳ و ۴ دیده می‌شود.



تصویر ۱۴ الف، تصویر ۱۴ ب. ستون سنگی آدیلچوا (Çilingiroğlu 2011: 5)

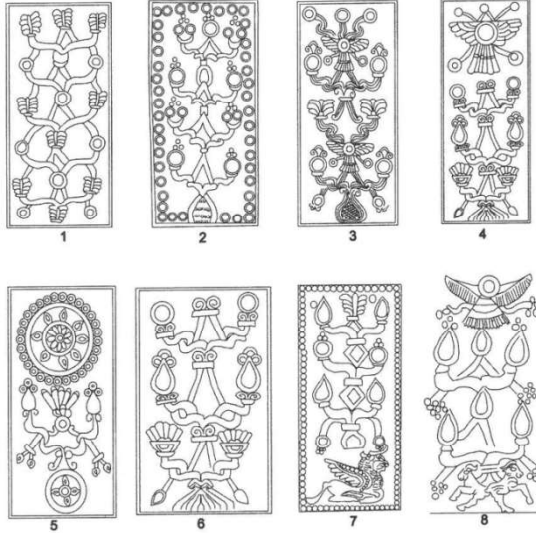
بر کمر بند ۱ روزت‌ها به شکل قرصی ایجاد شده‌اند که انتهای هر گلپر به شکل مثلث‌های کوچک نوک تیز هستند و بر کمر بند ۲ و استوانه روزت‌ها به صورتی تصویر شده‌اند که انتهای هر گلپرگ نوک تیز است و به عنوان ایجاد فاصله بین عناصر ایجاد شده است.

برآیند

نقوش گوناگون روی کمر بندهای اورارتویی می‌توانند پژوهشگران را در شناخت بیشتر فرهنگ، مذهب و هنر اورارتوها یاری رسانند. در این نوشته تلاش شد چهار کمر بند اورارتویی موزه رضا عباسی معرفی و نقوش روی آنها بررسی شوند. این کمر بندها صحنه‌ها شکار و آیینی و نمادین را نشان می‌دادند. یعنی نوع صحنه‌ها گوناگون هستند. نقوش حیوانی روی آنها گاه حیوانات شکار شده مانند گاو را نشان می‌دهند. گاهی نیر گاو و شیر مرکب خدایان هستند که بیننده را متوجه خدایان سوار بر آنها و خویشکامیشان می‌کنند. گاهی نیز نمادین هستند مانند شیرها. موجودات اساطیری ترکیبی که به احتمال نمادی از قدرت شکارچیان و یا گریفین‌ها که نماد قدرت هستند تصویر شده‌اند. شکارچیان



تصویر ۱۴ ج (Konyar et al. 2018: p. 52)



تصویر ۱۵. کلاهیخود موزه تاریخ ارمنستان، تصویر ۱۶ (چاووش اوغلو ۱۳۹۷: لوحه ۳۱)

یا جداکننده صحنه‌ها استفاده می‌شدند. بدین ترتیب این چهار کمر بند اورارتویی با صحنه‌ها و ترکیب‌بندی‌های متنوع روایات گوناگونی از هنر اورارتورا همراه دارند.

نیز به شکل سربازان اورارتویی گاه با ارابه نمایش داده شده‌اند که به احتمال نمادی از اشخاصی هستند که از این گونه کمر بندها می‌بستند. درخت مقدس و پالم‌ت و روزت نیز نقوش گیاهی هستند که یا نمادین یا به شکل فضاپرکن

کتاب‌نامه

الف) فارسی

- بهشتی، ۱-۱۶.
- دارا، مریم، ۱۳۹۷، تنوع نگارش نفرین‌ها در طول زمان در سنگ‌نیشته‌های شاهی اورارتویی»، *زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم دکتر محمدجواد مشکور*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: ۲۰۹-۲۳۴.
- مایر، والتر، ۱۳۸۸، متن و ترجمه گزارش لشکرکشی سارگون به اورارتو در سال ۷۱۴ پ.م، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، آذربایجان غربی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و گنجینه هنر.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۸، تاریخ و تمدن بین‌النهرین (هنر و معماری)، ج ۳، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- پیوتروفسکی، بوری، ۱۳۸۳، تمدن اورارتو (بخش اول: پادشاهی وان اورارتو)، افزوده و ترجمه حمید خطیب‌شهیدی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- جابر انصاری، حمیده، ۱۳۸۷، «نمادشناسی گریفین و سایر تحولات فرمی آن در هنر ایران پیش از اسلام»، کتاب ماه هنر: ۹۰-۱۰۵.
- چاوش اوغلو، رفعت، ۱۳۹۷، کمربندهای اورارتویی، ترجمه رضا غفاری هریس، حسنلو، حسنلو.
- دارا، مریم، ۱۳۹۵، «تثلیث خدایان اورارتویی»، مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی نقد ادبی با رویکرد مطالعات اسطوره‌شناختی و نقد اسطوره‌ای (۲۴ و ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۹۵)، تهران، دانشگاه شهید

ب) نافرسی

- Azarpay, G. (1968). *Urartian art and artifacts*, Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Barnett, R. D. (1950). "Excavations of the British Museum at Toprakkale near Van", *Iraq* 12/I, pp. 1-43.
- Batmaz, A. (2013). "A new ceremonial picture at Ayanis fortress: The Urartian sacred tree ritual on the eastern shore of Lake Van", *JNES* 72/1, pp. 65-83.
- Bienkowski, P.; Millard, A. (2000). *Dictionary of the ancient Near East*, Philadelphia, University of Pennsylvania Press.
- Black, J. and Green, A. (1992). *Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia*, London: British Museum Press.
- Calmeyer, P. (1979). "Zu den Eisen-Lanzenspitzen und der 'Lanze des Haldi'", *Bstam I*, W. Kleiss (ed.), Berlin: Dietrich Reimer, pp. 183-193.
- Çilingiroğlu, A. (2011). "Urartian Religion", *Urartu: Transformation in the East*, K. Kemalettin and E. Konyar (eds.), Istanbul, Yapi Kredi Yayınları, pp. 188-202.
- Dara, M. (2014). "Was Haldi the Triumph Fire God of the Urartians?", *International Journal of the Society of Iranian Archaeologists*, Vol. 1, No.1, Winter-Spring 2014, pp. 97-107.
- Eichler, S. (1986). *Götter, Genien und Mischwesen in der urartäischen Kunst*, Berne: Deutsches Archäologisches Institut.
- Işikli, M. (2016). "Ayanis aslani", *Festschrift für Havva Işkan*, E. Dundar and Ş. Aktaş and M. Koçak and S. Erkoç (eds.), Istanbul: Yayınlar, pp. 431-445.
- Kellner, H. -J. (1991). "Grouping and dating of bronze belts", *Urartu: a metalworking center in the first millennium B.C.E.*, R. Merhav (ed.), Jerusalem, pp. 142-161.
- Konyar, E.; Işik, K; Kuvanc. R.; Genç, B; Gökce, B. (2018). *Zaiahina'nin bronzlari*, Istanbul: Doğubayazıt Belediyesi Kültür Yayınları.
- Merhav, R. (1991a). "Chariots", *Urartu: a metalworking center in the first millennium B.C.E.*, (The Israel Museum, Jerusalem), May 28 - October 1991, R. Merhav (ed.), Jerusalem, pp. 53-77.
- Merhav, R. (1991b). "Everyday and ceremonial

- utensils", *Urartu: a metalworking center in the first millennium B.C.E.*, (The Israel Museum, Jerusalem), May 28 – October 1991, R. Merhav (ed.), Jerusalem, pp. 200-243.
- 1991) —c). "Schields", *Urartu: a metalworking center in the first millennium B.C.E.*, (The Israel Museum, Jerusalem), May 28 – October 1991, R. Merhav (ed.), Jerusalem, pp. 134-139.
- Roaf, M. (2010). "Rusa Sarduriḫ and Rusa Erimenḫi, Urartu and its neighbors", *Aramazd* 5, Issue 1, Yerevan, pp. 66-82.
- Salvini. M. (1989). "Le pantheon de l'Urartu et le fondement de l'état", *Studi epigraphici e linguistic sul vicino Oriente Antico* 6, pp.79-89.
- Seidl, U. (2004). *Bronzekunst urartus*, Mainz am Rhein: Philipp von Zabern.
- Ter-Martirosov, F. I. (2009). "Stamps and images on the ceramics of the Urartian period from Erebuni", *Aramazd*, vol. IV, Issue 2, pp. 127-145.
- Wartke R. (1993). *Das reich am Ararat (KAW 59)*, Mainz.
- Zimansky, P. (2012). "Imagining Haldi." *Stories of Long Ago. Festschrift für Michael D. Roaf*, H. D. Baker and K. Kanuth and A. O. Münster (eds.), Ugarit-Verlag, pp. 713-723.

“Contents”

Article

Various Patterns on Urartian Belts of Reza Abbasi Museum Maryam Dara	4
Wolf Castle Ossuary, A Newly Discovered Burial of the Sassanid period in the city of Eghlid Hamed Molaei	25
The Pre-Buyid Amirate: Two Views from the past David Waines, Persian translated by Hosein Sabri	36
Archaeological Survey of Khanak Caravanserai on the Mountainous Route from Tafresh to Saveh Ali Nour Allahi	47
La céramique de Khirbet Kerak en Syro-Palestine: état de la question P. D Miroschedji, Persian translated by Sahar Bakhtiari & Hosein Naseri	74

Critique and Book Review

Proto-Elamite Tablets and Fragments Hasan Afshahri & Saeid Baghizadeh	99
---	----

Obituary

David Stronach, Masoud Golzari, Badri Gharib Arshak Iravanian	109
---	-----



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 3, No.5, Autumn & Winter 2020 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:

| Dr Shahin Aryamanesh |

Managing Editor: **Houshang Rostami**

📍 Tehran, Iran, Post box: 14515-569

🌐 www.iranvarjavand.ir

✉ Iranvarjavand@hotmail.com

☎ +98 9395969466

Bricks with a palmette motif, ca. 6th–4th
century B.C. Achaemenid, Iran, Susa
The Metropolitan Museum of Art, USA

All rights reserved. No part of this publica-
tion may be reproduced, stored in a retrieval
system or transmitted in any form or by any
means, electronic, mechanical, photocopying,
recording or otherwise, without prior permis-
sion in writing, form the publisher.

With Contributions by

| Tissaphernes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 3 | No. 5 | Autumn & Winter 2020



- ◆ Proto-Elamite Tablets and Fragments
- ◆ The Pre-Buyid Amirate: Two Views from the past
- ◆ Various Patterns on Urtartian Belts of Reza Abbasi Museum
- ◆ La céramique de Khirbet Kerak en Syro-Palestine: état de la question
- ◆ Wolf Castle Ossuary, A Newly Discovered Burial of the Sassanid period in the city of Eghlid
- ◆ Archaeological Survey of Khanak Caravanserai on the Mountainous Route from Tafresh to Saveh